



امروز شما



فروردین ممکن است در انجام کارها ماهر باشی اما این دلیل نمی‌شود که در حوزه عشق و دوست داشتن هم چنین مهارتی را داشته باشی.

اردیبهشت می‌نشینی!!! به این ترتیب فرصت‌های دیگری هم نفله می‌شود!

مهر حکایت امروز تو مثل روزهای گذشته است. باز هم رفتار گذشته را تکرار می‌کنی، فرصت‌های طلایی را از بین می‌بری و بعد، مدتی را به حسرت آن می‌نشینی!!! به این ترتیب فرصت‌های دیگری هم نفله می‌شود!

آبان این تردیدهایی توست که ارادات را ضعیف کرده و باعث می‌شود تا فرصت‌های مهمی را از دست بدهی. پس این تردیدها را باید از خودت دور کنی!

خرداد نمی‌شود بعضی چیزها را در خود پنهان کرد. زیرا آثار و علائم آن از قیافه ظاهری و بخصوص چشم‌ها بیرون می‌زنند. یاس و نومیدی را از خود دور کن، چون برای خود تقدیری داری و آن را دنبال می‌کنی.

تیر دوباره فرصت خوبی در اختیار تو گذاشته خواهد شد که این بار نباید آن را از دست بدهی. کسی که فرصت‌ها و موقعیت‌های عاطفی زندگی‌اش را از دست می‌دهد فقط در زندگی حسرت نصیبش می‌شود. از وقت‌های استفاده کن.

مرداد سؤال‌های مهمی مطرح می‌شود که در حال حاضر جوابی برای آنها نداری. کسی از تو درخواست می‌کند که فعلا باید خوب به آن فکر کنی و بعد جواب بدهی. زندگی عاطفی تو به زودی دچار تغییرات چشم‌گیری می‌شود.

شهریور با یک تماس تلفنی و یا فرستادن یک پیغام یا نامه می‌توانی به او بفهمانی که به فکرش هستی. خاطرات گذشته، همیشه منبع و ذخیره‌ای روحی و معنوی است که باید از آن به خوبی استفاده کرد.

گفت و گو با محمد دلاوری - مجری تلویزیون

می‌خواهی آب در دلت تکان نخورد، مجری نشو!



بخورد. این شخص دیگر کار رسانه‌ای حرفه‌ای نمی‌کند، بلکه کار پر کردن صفحات روزنامه‌ها و پر کردن برنامه‌های تلویزیونی و خبرگزاری‌ها را انجام می‌دهد البته این هم یک راهی است و همه رسانه‌ها این مدل از تولید محتوا را هم نیاز دارند.

مجری برنامه «تهران ۲۰» با تأکید بر اینکه تاکنون از بیان حقیقت و تبعاتی که برایش داشته پشیمان نشده است، عنوان کرد: اگر بابت بیان حرفی که فکر کردم حقیقت است، بازخواست هم شده باشم، با کسی که من را بازخواست کرده گفت‌وگو کرده‌ام یا متقاعد می‌شود یا نمی‌شود. اما من هم سعی کردم لجاجت و ایجاد درگیری نکنم. سعی کردم اگر کسی دارد به من توصیه درستی می‌کند و اشتباهم را توضیح می‌دهد، روی موضع خودم پافشاری نکنم. در نهایت هر کسی کار خودش را انجام می‌دهد؛ آن‌ها بازخواست می‌کنند و من هم حرفم را می‌زنم.

به گزارش ایسنا، این روزها برنامه «آقای رئیس‌جمهور» با موضوع انتخابات ریاست جمهوری، با اجرای محمد دلاوری ضبط شده و در فضای مجازی در حال پخش است. دلاوری در برنامه «آقای رئیس‌جمهور» که در وب سایت پارسیه بارگذاری می‌شود، با کسانی که خودشان را به عنوان نامزد ریاست جمهوری معرفی کرده‌اند گفت‌وگو می‌کند

محمد دلاوری با تأکید بر لزوم راستی، درستی و صداقت در گفته‌های مجری‌های تلویزیونی، معتقد است: مجری یا خبرنگاری که نمی‌خواهد آب در دلت تکان بخورد، دیگر کار رسانه‌ای حرفه‌ای نمی‌کند، بلکه فقط صفحات روزنامه‌ها، خبرگزاری‌ها و برنامه‌های تلویزیونی را پر می‌کند.

مجری برنامه «تهران بیست» درباره لزوم بیان حقیقت توسط مجری‌ها به ایسنا گفت: بیان حقیقت جزو الزامات کار رسانه‌ای است. چه مجری، چه خبرنگار و چه هر کس دیگری که تولید محتوای رسانه‌ای می‌کند، عهدش با مردم نوشته یا نانوشته همین بوده است که حقیقت را بیان کند. اصلاً نیاز به گفتن من نیست، مثل این می‌ماند که از پزشکی بپرسیم نکشتن بیمار زیر عمل جراحی چقدر اهمیت دارد!

او با اشاره به اینکه «اگر مجری بنا را بر این قرار دهد که کارش را حرفه‌ای و درست انجام دهد، بیان حقیقت برایش ضرری ندارد»، در عین حال درباره تبعاتی که ممکن است گریبانگیر مجری شود، توضیح داد: ممکن است که مجری از کارش جدا شود، خوب بشود. مجری اگر کارش را بلد باشد، قطعاً اینطور نیست که در هیچ رسانه‌ای جا نداشته باشد. یک مجری یا یک خبرنگار حرفه‌ای و کاربلد اگر از مجموعه خودش اخراج شود، قطعاً در مجموعه دیگری استخدام خواهد شد. پس از این جهت ضرر نخواهد کرد. دلاوری به حرف‌هایش اضافه کرد: اگر هم تبعات بیات حقیقت این باشد که از شخص شکایت شود، اگر حرف‌های درستی زده باشد و برای حرفش مستندات کافی داشته باشد، در دادگاه می‌تواند از خودش دفاع کند.

او درباره برخی از افراد رسانه‌ای که هدفشان راضی نگه داشتن همه و تنها پر کردن ظرف رسانه است، گفت: گاهی هم فرد می‌گوید، من نه دلم می‌خواهد کسی از من شکایت کند و نه مدیرم به من تذکری بدهد؛ در واقع نمی‌خواهد آب در دلت تکان

غار تاریخی جدید در نزدیکی غار هوتو در بهشهر کشف شد



مدیرکل میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی مازندران از کشف یک غار باستانی جدید در نزدیکی غار «هوتو» خبر داد و گفت که در کاوش باستان‌شناسی غار هوتو، غاری جدید به فاصله ۳۰ متری آن کشف شده است.

به گزارش روابط عمومی اداره کل میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی مازندران، سیف‌الله فرزانه افزود که غار جدید را تیم باستان‌شناسی دانشگاه تهران به سرپرستی دکتر حسن فاضلی نشلی در کاوش‌های باستان‌شناسی خود که با هدف تبیین چگونگی گذار از عصر غارنشینی به دوره کشاورزی و روستائیشینی به شیوه جدید در غار هوتو انجام می‌دهد، کشف کرد.

وی با اعلام این که غار جدید توسط گروه باستان شناسی «شال» نامگذاری شده، گفت که تمامی دهانه غار جدید پوشیده از آثار فرهنگی است.

در زبان مازندرانی به شغال گفته می‌شود.

مدیرکل میراث فرهنگی مازندران گفت که تیم باستان‌شناسی به دلیل کشف مجسمه دو شغال در لایه‌های بالایی غار، آن را به نام شال ثبت کردند.

پس مسئول تصریح کرد: تا پیش از کشف غار شال، فقط یک بخش کوچک از محفظه غار معلوم بود، اما پس از خاکبرداری مشخص شد که این غار حداقل ۱۰ متر طول دارد که با خاکبرداری تمامی سطوح فوقانی عمق و ابعاد آن مشخص خواهد شد.

فرزانه با بیان این که کشف این غار می‌تواند به بسیاری از پرسش‌های جهانی در ارتباط با دوران غارنشینی و آغاز روستائیشینی در مازندران دوره فراپارینه‌سنگی، نوسنگی، مس و سنگ، آهن و اشکالی دارند.

به آهنگسازی حامد حسینی؛

تازه ترین تک آهنگ فریدون آسرای منتشر شد

فریدون آسرای خواننده موسیقی پاپ تازه‌ترین تک آهنگ خود را به آهنگسازی حامد حسینی پیش روی مخاطبان قرار داد. به گزارش خبرنگار مهر، تک آهنگ «آبی لیلی» به عنوان تازه‌ترین تک آهنگ فریدون آسرای خواننده موسیقی پاپ کشورمان است که به تازگی در دسترس مخاطبان قرار گرفت.

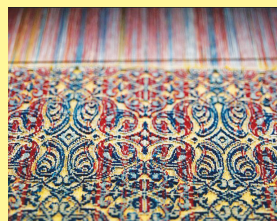
در این قطعه معین برزّه ترانه سرا، حامد حسینی آهنگساز، بهتاش برزین و حامد حسینی تنظیم کننده، مهیار رحیمی میکس و مستر، مهرداد قیادی عکاس، مصطفی گرمان طراح، آرتین ولی الهی مدیر اجرایی گروه تولید را تشکیل می‌دهند.

خوانندگی

شهرهای پارچه بافی ایران



لست سکند: در این متن قرار نیست از تاریخچه پارچه بگویم، بلکه می‌خواهیم ببینیم هر کدام از شهرهای ایران به چه پارچه‌های معروف شده‌اند؟ این قضیه بیشتر از همه در تهیه سوغاتی به ما کمک می‌کند. باعث می‌شود بدانیم از هر شهری چه جنس پارچه‌ای تهیه کنیم؟ تهیه پارچه‌های از شهرهایی که آن را تولید می‌کنند، باعث می‌شود هم از کیفیت آنچه می‌خریم و هم از قیمت محصول مطمئن باشیم. مثل همیشه هم تأکید می‌کنیم آنچه نوشته شده همه ماجرا نیست و بدون شک در نقاط دیگر ایران هم ممکن است صنایع نساجی با کیفیت به راه باشد، اما آنچه گفته شده صرفاً بخشی از ماجراست. بنابراین، با این مقدمه برویم سراغ شهرهای پارچه‌بافی ایران.



در آنجا می‌بافتند. علاوه بر پارچه اعلا، روی آن نام پادشاه یا سلطان را هم قلاب‌دوزی می‌کردند که اختصاصی‌تر بود.

پارچه‌های پارچه‌های فارس در توج یا توز (شهری نزدیک کازرون) بود. در فسا هم انواع زری‌ها را برای پادشاه می‌بافتند و نامش را هم با رنگ‌های سبز و آبی، شبیه پر طاووس روی پارچه نقش می‌کردند. اما شیراز به پاره‌های لطیفی معروف بود که با آن قبا می‌بافتند؛ نوعی پارچه که امروزه به آن گارسی می‌گویند. علاوه بر گارسی، زری و خز (پارچه از ابریشم خام) از دیگر منسوجات شیراز بود.

خوزستان شوشتری‌ها (دارالملک قدیم خوزستان) به پاره‌های ابریشمی و نخ‌شان مشهور بودند. بازار بزازان شوشتر بسیار معروف بود و دیبای شوشتری طرفداران بسیاری داشت. اما در نزدیکی خوزستان، بغداد، محله‌ای با نام غتاییه بود که به بافت پارچه ابریشمی معروف شده بود؛ پارچه‌هایی مثل صوف، موج‌دار، مخطط که رنگ‌های متنوعی هم داشتند. این پارچه‌ها چون در محله غتاییه تولید می‌شود، به جامه غتایی هم معروف بود.

بنابراین، خوزستان یکی از مراکز مهم صنعت بافندگی محسوب می‌شد و به جز شوشتر، شوش، ایذه، قرقوب، بختی و طیب از دیگر مراکز بافندگی دوران گذشته بودند.

طبرستان و پارچه‌های ابریشمی منطقه طبرستان که تقریباً مازندران امروزی و بخش‌هایی از گرگان و گیلان رو شامل می‌شد، به لباس‌های پشمی، نخ و ابریشمی‌اش معروف شده بود. به عنوان مثال، در رودان طبرستان که شهرکی کوهستانی بود، جامه‌های پشمین سرخ رنگ می‌بافتند و به گرگان هم می‌بردند. علاوه بر این‌ها، طبلسان‌ها (بالاپوش ضخیم) و پارچه‌های درشت باف هم از طبرستان به مناطق مختلف جهان می‌بردند.

به جز مواردی که گفته شد در گرگان روسری‌های ابریشمی وجود داشت که از آنها به یمن هم می‌بردند، همچنین لباس‌های ابریشمی سیاه و وقایه (نوعی لباس ابریشمی و پنبه‌ای)، دیبا و کزین (پارچه ابریشمی کم‌بها) گرگان هم در دنیا معروف شده بود. اگر دقت کنید، هنوز هم در لباس‌های سنتی این مناطق، از این پارچه‌ها یافت می‌شود. علاوه بر این‌ها، بند شلوار ارمنی هم با ابریشم طبرستان بافته می‌شد!

استان فارس و پاره‌های شاهانه جنس لباس پادشاهان با لباس مردم عادی فرق داشت. پاره جامه پادشاه از پارچه‌های گران قیمت و اعلا و معمولاً زربفت و معمولاً زربفت بود. فارس یکی از مراکز بود که محصولات پارچه‌های زربفت لباس پادشاهان را

خوزستان شوشتری‌ها (دارالملک قدیم خوزستان) به پاره‌های ابریشمی و نخ‌شان مشهور بودند. بازار بزازان شوشتر بسیار معروف بود و دیبای شوشتری طرفداران بسیاری داشت. اما در نزدیکی خوزستان، بغداد، محله‌ای با نام غتاییه بود که به بافت پارچه ابریشمی معروف شده بود؛ پارچه‌هایی مثل صوف، موج‌دار، مخطط که رنگ‌های متنوعی هم داشتند. این پارچه‌ها چون در محله غتاییه تولید می‌شود، به جامه غتایی هم معروف بود.

بنابراین، خوزستان یکی از مراکز مهم صنعت بافندگی محسوب می‌شد و به جز شوشتر، شوش، ایذه، قرقوب، بختی و طیب از دیگر مراکز بافندگی دوران گذشته بودند.

طبرستان و پارچه‌های ابریشمی منطقه طبرستان که تقریباً مازندران امروزی و بخش‌هایی از گرگان و گیلان رو شامل می‌شد، به لباس‌های پشمی، نخ و ابریشمی‌اش معروف شده بود. به عنوان مثال، در رودان طبرستان که شهرکی کوهستانی بود، جامه‌های پشمین سرخ رنگ می‌بافتند و به گرگان هم می‌بردند. علاوه بر این‌ها، طبلسان‌ها (بالاپوش ضخیم) و پارچه‌های درشت باف هم از طبرستان به مناطق مختلف جهان می‌بردند.

به جز مواردی که گفته شد در گرگان روسری‌های ابریشمی وجود داشت که از آنها به یمن هم می‌بردند، همچنین لباس‌های ابریشمی سیاه و وقایه (نوعی لباس ابریشمی و پنبه‌ای)، دیبا و کزین (پارچه ابریشمی کم‌بها) گرگان هم در دنیا معروف شده بود. اگر دقت کنید، هنوز هم در لباس‌های سنتی این مناطق، از این پارچه‌ها یافت می‌شود. علاوه بر این‌ها، بند شلوار ارمنی هم با ابریشم طبرستان بافته می‌شد!

استان فارس و پاره‌های شاهانه جنس لباس پادشاهان با لباس مردم عادی فرق داشت. پاره جامه پادشاه از پارچه‌های گران قیمت و اعلا و معمولاً زربفت و معمولاً زربفت بود. فارس یکی از مراکز بود که محصولات پارچه‌های زربفت لباس پادشاهان را

خوزستان شوشتری‌ها (دارالملک قدیم خوزستان) به پاره‌های ابریشمی و نخ‌شان مشهور بودند. بازار بزازان شوشتر بسیار معروف بود و دیبای شوشتری طرفداران بسیاری داشت. اما در نزدیکی خوزستان، بغداد، محله‌ای با نام غتاییه بود که به بافت پارچه ابریشمی معروف شده بود؛ پارچه‌هایی مثل صوف، موج‌دار، مخطط که رنگ‌های متنوعی هم داشتند. این پارچه‌ها چون در محله غتاییه تولید می‌شود، به جامه غتایی هم معروف بود.

بنابراین، خوزستان یکی از مراکز مهم صنعت بافندگی محسوب می‌شد و به جز شوشتر، شوش، ایذه، قرقوب، بختی و طیب از دیگر مراکز بافندگی دوران گذشته بودند.

طبرستان و پارچه‌های ابریشمی منطقه طبرستان که تقریباً مازندران امروزی و بخش‌هایی از گرگان و گیلان رو شامل می‌شد، به لباس‌های پشمی، نخ و ابریشمی‌اش معروف شده بود. به عنوان مثال، در رودان طبرستان که شهرکی کوهستانی بود، جامه‌های پشمین سرخ رنگ می‌بافتند و به گرگان هم می‌بردند. علاوه بر این‌ها، طبلسان‌ها (بالاپوش ضخیم) و پارچه‌های درشت باف هم از طبرستان به مناطق مختلف جهان می‌بردند.

به جز مواردی که گفته شد در گرگان روسری‌های ابریشمی وجود داشت که از آنها به یمن هم می‌بردند، همچنین لباس‌های ابریشمی سیاه و وقایه (نوعی لباس ابریشمی و پنبه‌ای)، دیبا و کزین (پارچه ابریشمی کم‌بها) گرگان هم در دنیا معروف شده بود. اگر دقت کنید، هنوز هم در لباس‌های سنتی این مناطق، از این پارچه‌ها یافت می‌شود. علاوه بر این‌ها، بند شلوار ارمنی هم با ابریشم طبرستان بافته می‌شد!

استان فارس و پاره‌های شاهانه جنس لباس پادشاهان با لباس مردم عادی فرق داشت. پاره جامه پادشاه از پارچه‌های گران قیمت و اعلا و معمولاً زربفت و معمولاً زربفت بود. فارس یکی از مراکز بود که محصولات پارچه‌های زربفت لباس پادشاهان را

خوزستان شوشتری‌ها (دارالملک قدیم خوزستان) به پاره‌های ابریشمی و نخ‌شان مشهور بودند. بازار بزازان شوشتر بسیار معروف بود و دیبای شوشتری طرفداران بسیاری داشت. اما در نزدیکی خوزستان، بغداد، محله‌ای با نام غتاییه بود که به بافت پارچه ابریشمی معروف شده بود؛ پارچه‌هایی مثل صوف، موج‌دار، مخطط که رنگ‌های متنوعی هم داشتند. این پارچه‌ها چون در محله غتاییه تولید می‌شود، به جامه غتایی هم معروف بود.

بنابراین، خوزستان یکی از مراکز مهم صنعت بافندگی محسوب می‌شد و به جز شوشتر، شوش، ایذه، قرقوب، بختی و طیب از دیگر مراکز بافندگی دوران گذشته بودند.

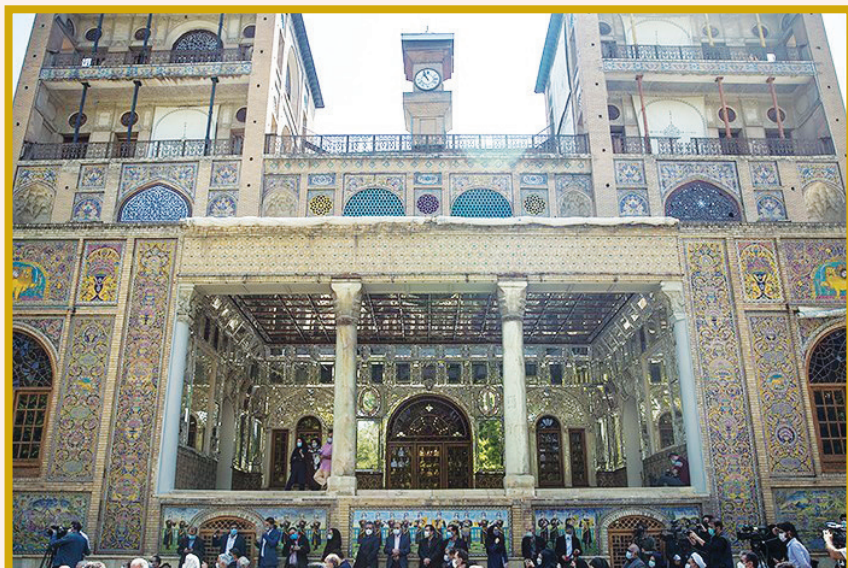
طبرستان و پارچه‌های ابریشمی منطقه طبرستان که تقریباً مازندران امروزی و بخش‌هایی از گرگان و گیلان رو شامل می‌شد، به لباس‌های پشمی، نخ و ابریشمی‌اش معروف شده بود. به عنوان مثال، در رودان طبرستان که شهرکی کوهستانی بود، جامه‌های پشمین سرخ رنگ می‌بافتند و به گرگان هم می‌بردند. علاوه بر این‌ها، طبلسان‌ها (بالاپوش ضخیم) و پارچه‌های درشت باف هم از طبرستان به مناطق مختلف جهان می‌بردند.

به جز مواردی که گفته شد در گرگان روسری‌های ابریشمی وجود داشت که از آنها به یمن هم می‌بردند، همچنین لباس‌های ابریشمی سیاه و وقایه (نوعی لباس ابریشمی و پنبه‌ای)، دیبا و کزین (پارچه ابریشمی کم‌بها) گرگان هم در دنیا معروف شده بود. اگر دقت کنید، هنوز هم در لباس‌های سنتی این مناطق، از این پارچه‌ها یافت می‌شود. علاوه بر این‌ها، بند شلوار ارمنی هم با ابریشم طبرستان بافته می‌شد!

استان فارس و پاره‌های شاهانه جنس لباس پادشاهان با لباس مردم عادی فرق داشت. پاره جامه پادشاه از پارچه‌های گران قیمت و اعلا و معمولاً زربفت و معمولاً زربفت بود. فارس یکی از مراکز بود که محصولات پارچه‌های زربفت لباس پادشاهان را

عکس‌های روز:

بازگشایی باب عالی کاخ گلستان



شهروند عکاس

عکس‌های حرفه‌ای خود را با کیفیت مطلوب به آدرس ایمیل روزنامه طلوع ارسال کنید تا در روزنامه درج گردد

toloudaily@gmail.com ارسال